



دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت رسانه

رویکردهای اخلاقی در برنامه کودک:

مطالعه نشانه شناسی “فیتله”

دانشجو:

لیلا محمدزاده وحدتی

استاد راهنما:

دکتر عبدا... گیویان

استاد مشاور:

دکتر هادی بهرامی احسان

تابستان ۱۳۸۹

چکیده

یکی از مهمترین دغدغه های جامعه بشری انتقال ارزش های اخلاقی به نسل های جدید است. و از آن جا که در روزگار معاصر رسانه های جمعی بویژه تلویزیون یکی از موثرترین عوامل انتقال این ارزش هاست، این پایان نامه به بررسی رویکرد اخلاقی یکی از برنامه های ویژه کودک یعنی برنامه "فیتله" می پردازد. سوالهای اصلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- روش یا روش های تربیتی ارائه شده در برنامه "فیتله" چیست؟
 - ۲- آیا روش یا روش های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟
 - ۳- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است، ویژگی های آن چیست؟
- برای گردآوری و تحلیل داده های این تحقیق از روش های متنوع، مرکب از الگوهای کیت سلبی و ران کادوری، رولان بارت و جان فیسک استفاده شده است. در تحلیل یافته های این تحقیق، از آرای جیمز کری در تفکیک دو رویکرد عمده به ارتباطات یعنی رویکردهای انتقالی و آیینی و نظریه آیینی ارتباطات رودنبولر استفاده شده است.

نتایج پژوهش نشان می دهد که برنامه فیتله، در تلاش است برای هماهنگی با گفتمان اخلاق دینی، محتوایی را به کودکان ارائه کند که از خلال آن کودکان صرفاً به زندگی در دنیای "بایدها" رهنمون شوند. این گفتمان اخلاقی باعث می شود برنامه تا حدودی از واقعیتها فاصله بگیرد. هم چنین، نتایج نشان می دهد که برنامه فیتله واجد ویژگیهای یک آیین (کنش نمادین، اجرا، رفتار مرسوم و...) است و می کوشد تا همچون یک دایه الکترونیک به شکلی آیینی مخاطبان کودک خود را با صورت تازه ای از تربیت که نزدیک به تربیت اسلامی است، پرورش دهد. بر اساس نتایج، مخاطبان این برنامه "فرشته"، "معصوم"، در عین حال "سر به هوا"، "نیازمند نصیحت" و ... تلقی شده اند.

کلید واژه ها: کودک، تربیت، روش تربیت، گفتمان، آیین، نشانه شناسی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۱-۲- طرح مسأله.....	۴
۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق.....	۷
۱-۴- اهداف تحقیق.....	۷
۱-۵- سوال های تحقیق.....	۷
۱-۶- تعریف مفاهیم.....	۸
۲- فصل دوم: مبانی نظری تحقیق.....	۱۲
۲-۱- مقدمه.....	۱۳
۲-۲- بخش اول: تحقیقات پیشین.....	۱۳
۲-۲-۱- تحقیقات داخلی.....	۱۳
۲-۲-۲- تحقیقات خارجی.....	۱۷
۲-۳- بخش دوم: کودک و تلویزیون.....	۱۸
۲-۳-۱- کودک، فرهنگ و نقش تربیتی تلویزیون.....	۱۸
۲-۳-۲- کودک و محبوب ترین برنامه های تلویزیون.....	۲۰
۲-۴- بخش سوم: ارتباطات پدیده ای از اقلیم آشنا.....	۲۲
۲-۴-۱- ارتباطات علمی از جنس تفسیر.....	۲۳
۲-۴-۲- رسیدن به ارتباطات از دو شاه راه.....	۲۵
۲-۴-۲-۱- دیدگاه انتقالی.....	۲۵
۲-۴-۲-۱-۱- تأکید های رویکرد انتقالی و کاربرد آن ها در روزگار معاصر.....	۲۶
۲-۴-۲-۲- دیدگاه آیینی.....	۲۷
۲-۴-۲-۲-۱- تأکیدهای رویکرد آیینی و کاربرد آن ها در روزگار معاصر.....	۲۸
۲-۴-۳- آیین چیست؟.....	۲۹
۲-۴-۳-۱- اصطلاحات عمومی در تعریف آیین.....	۳۱
۲-۴-۴- آیین، گفتمان و مشارکت.....	۳۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۷	۱-۴-۲- نوروز (شاهدی آشنا).....
۳۹	۵-۴-۲- ارتباطات رسانه ای شده در شکل آیین.....
۴۱	۶-۴-۲- تحول اخلاقی.....
۴۱	۱-۶-۴-۲- مرحله ای بودن رشد قضاوت اخلاقی از نظر پیاژه.....
۴۵	۷-۴-۲- جمع بندی چارچوب نظری.....
۴۷	۳- فصل سوم: روش تحقیق.....
۴۸	۱-۳- روش تحقیق.....
۴۹	۱-۱-۳- نشانه، رمز، رمزگان و فرهنگ.....
۵۱	۲-۳- دلالت و مراتب آن.....
۵۳	۳-۳- روش های تحلیل مورد استفاده ی تحقیق.....
۵۳	۱-۳-۳- تحلیل سازه.....
۵۵	۲-۳-۳- تحلیل رمزگان بارت.....
۵۸	۳-۳-۳- تحلیل ایدئولوژیک فیسک (تحلیل سه گانه).....
۵۹	۱-۳-۳-۳- رمزگان تلویزیون.....
۶۰	۴-۳- روش نمونه گیری.....
۶۱	۵-۳- پایایی و روایی.....
۶۲	۴- فصل چهارم: یافته های تحقیق.....
۶۳	۱-۴- مقدمه.....
۶۵	۲-۴- پاسخ اولین سوال اصلی تحقیق.....
۸۳	۳-۴- پاسخ دومین سوال اصلی تحقیق.....
۸۳	۴-۴- پاسخ سومین سوال اصلی تحقیق.....
۱۱۵	۵- فصل پنجم: نتیجه گیری.....
۱۱۶	۱-۵- مقدمه.....
۱۱۶	۲-۵- برنامه فیتله همچون یک آیین است.....
۱۱۹	۱-۲-۵- استفاده آیینی شده رسانه.....

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۵-۳- آنچه فیتيله می گوید و آنچه نمی گوید.....	۱۱۹
۵-۳-۱- آنچه فیتيله می گوید.....	۱۲۰
۵-۳-۱-۱- سوال های تحقیق و پاسخ آن ها.....	۱۲۰
۵-۳-۱-۲- حرف های اصیل دایه الکترونیک.....	۱۳۰
۵-۳-۲- آنچه فیتيله نادیده می گیرد و نمی گوید.....	۱۳۰
۵-۴- محدودیت های تحقیق.....	۱۳۳
۵-۵- پیشنهادها.....	۱۳۴
فهرست منابع و مأخذ.....	۱۳۶
ضمائم.....	۱۳۹
ضمیمه الف: مشخصات کلی برنامه و صحنه های مرتبط با روش های تربیتی برنامه.....	۱۴۰
ضمیمه ب: صحنه های مربوط به تقابل های دوگانه.....	۱۵۴
ضمیمه ج: تصاویری از برنامه.....	۱۸۶

فهرست جداول

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
جدول شماره ۱-۳، گزینه هایی که بر اساس رمزهای فنی ارائه می شوند.....	۵۴
جدول شماره ۱-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۴.....	۶۷
جدول شماره ۲-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۹.....	۷۱
جدول شماره ۳-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۱۲.....	۷۵
جدول شماره ۴-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۸.....	۷۸
جدول شماره ۵-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۵.....	۸۱
جدول شماره ۶-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۱۱.....	۸۵
جدول شماره ۷-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۸.....	۸۸
جدول شماره ۸-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۳.....	۹۲
جدول شماره ۹-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۱۴.....	۹۷
جدول شماره ۱۰-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۳.....	۱۰۰
جدول شماره ۱۱-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۹.....	۱۰۳
جدول شماره ۱۲-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۶.....	۱۰۶
جدول شماره ۱۳-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۷.....	۱۱۰
جدول شماره ۱۴-۴: عناصر تحلیل بارتی در برنامه فیتیله، مورخ ۸۸/۱/۸.....	۱۱۳

فصل اول:

کلیات تحقیق

خشت اول چون نهاد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

برای ساختن هر چیزی ابتدا باید پایه ای محکم بنا شود تا با تکیه بر آن از استحکام کلی آن آسوده خاطر بود.

در واقع خشت اول باید براساس هدف مشخصی نهاده شود. در همین راستا تربیت اولیه کودک هم کارکردی مشابه در مورد انسان دارد؛ بنابراین انتقال ارزش های اخلاقی به کودکان همواره یکی از مهمترین دغدغه های فکری والدین است تا از این رهگذر خشت اول این بنای انسانی درست نهاده شود. این خواسته تنها خواسته شخصی افراد نیست بلکه جوامع بشری نیز همواره این دغدغه را داشته اند که چگونه باید ارزش های خود را به نسل های جدید منتقل کنند. یکی از مهمترین ابزارهایی که جوامع برای این کار به خدمت گرفته اند، آیین بوده است. آیین یکی از راه های انتقال ارزش ها به نسل های بعدی و درونی سازی آنهاست؛ آیین گذرگاهی است که در آن بنیانی ترین ارزش ها و عقاید انسانی ساخته می شود و معنای زندگی از آن سر برمی آورد. (رودنبولر، ۱۳۸۷)

آیین ها از ویژگی های بارز هر فرهنگ به حساب می آید اما این بدان معنا نیست که آیین ها همواره ثابت می مانند، بلکه همراه با تغییرات فرهنگی دچار دگرگونی می شوند. به این ترتیب، آیین ها صورت های مختلفی می یابند و از ابزارهای مختلفی در اجرای آن ها استفاده می شود.

در روزگار معاصر یکی از مهمترین رسانه هایی که نقش آیینی قابل توجهی پیدا کرده است، تلویزیون است. چنانچه جوزف گاسفیلد و جرسی میشا لویچ^۱ با مبحث سمبولیسم دینی^۲ مقاله اورین کلاب^۳ را به عنوان معروفترین اثر در مورد جنبه های آیینی رسانه معرفی می کنند. (Guivian, ۲۰۰۶)

به دیگر سخن، امروزه رسانه ها، بویژه تلویزیون، منبعی برای ساخت معنای زندگی و انتقال نمادین آن شده اند. از سوی دیگر باید توجه داشت که ارتباط کودکان با رسانه ها و بویژه با تلویزیون که باید آن را آیینی امروزی دانست، از سنین پایین آغاز می شود. این موضوع مورد توجه بسیاری از محققان بوده است^۴ "اولین تجربه مستقیم کودک با تلویزیون، عموماً از ۲ سالگی شروع می شود" (بی پارکر، لایل و شرام، ۱۳۷۷، ص ۴۰). این گفته شرام^۴ و همکارانش بر گرفته از مطالعه ی تمام و کمالی است که در مورد تلویزیون و کودکان آمریکای شمالی در ۱۹۶۰ صورت گرفته است، اما ارتباط کودکان با تلویزیون از سنین پایین هنوز هم مورد تأیید و تأکید است، چنانچه اخیراً در مقاله ی با عنوان "رسانه و اطفال" اشاره به آماری از سال ۱۹۹۰ بر اساس گفته والدین کودکان شده است که "۴۸٪ تا ۱۰۰٪ تا ۲ ساله ها و ۱۷٪ از نوزادان تا ۱ سالگی تلویزیون تماشا می کنند. امروزه میانگین سنی ای که کودکان به طور طبیعی شروع به تماشای تلویزیون می کنند تقریباً به ۹ ماهگی تقلیل یافته است" (Zimmerman, ۲۰۰۹, P.۱۱۷۷ & Christakis).

در همین راستا نظرسنجی هایی که توسط مرکز مطالعات و تحقیقات صدا و سیما در سال ۱۳۸۵ انجام شده اند، نشان می دهند "کودکان ۳ تا ۹ ساله ایرانی به طور متوسط ۴ ساعت و ۲۶ دقیقه در روز به تماشای تلویزیون مشغول هستند" (خضریان، ۱۳۸۵، ص ۲). و "کودکان ۷ تا ۱۲ ساله حدود ۵ ساعت و ۱۲ دقیقه در روز تلویزیون تماشا می کنند" (خضریان، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

^۱ Josef Gusfield and Jersey Michalowicz

^۲ secular symbolism

^۳ Orrin Klapp's

^۴ schramm

بنابراین با توجه به میزان تماشای تلویزیون توسط کودکان لازم است به تلویزیون و نقش آن در تربیت فردی و اجتماعی کودکان بخصوص به معنا بخشی این آیین گونه امروزی به زندگی نسل های بعدی با دقت بیشتر توجه کنیم.

"پس آیا سزاوار است که ما از روی بی قیدی اجازه دهیم کودکانمان هر افسانه ای را، از هر گوینده ای که تصادفا پیدا شود، بشنوند و بدینسان افکاری را به خاطر خود راه دهند که اکثر آن ها با آنچه می خواهیم در بزرگی مورد اعتقاد آنان باشد، منافات دارد؟"

افلاطون، جمهور، کتاب دوم

۲-۱- طرح مسأله:

نیما: "پنگول جان، شما که پول رو خدای نکرده از من نذردیدید، بلکه قرض گرفتی؟ پس پول تو جیبی ماه بعد رو نمی گیری."

عبارت فوق قسمتی از گفت و گوی رد و بدل شده در برنامه ویژه کودک رنگین کمان شبکه پنج سیماست که در آن نیما مجری بزرگسال برنامه، پنگول عروسک گربه برنامه را که به مثابه یک کودک است و بی اجازه پول از جیب نیما برداشته است، به نوعی تنبیه می کند؛ این عبارت مخاطب خود را متوجه نکته تربیتی خاصی می کند که قاعدتا بشکل ارادی و برخاسته از نگاه تربیتی خاص مبتنی بر گفتمان اخلاقی ویژه ای در این برنامه، بعنوان یک متن رسانه ای، و دیگر متون رسانه ای گنجانده می شود.

گفتمان اخلاقی که این برنامه ی تلویزیونی و برنامه های مشابه آن مدنظر دارند هر روزه به کودکان منتقل می شود. به عبارت دیگر تلویزیون با انتقال هر روزه ی یکسری ارزش ها به سان یک آیین تکرار می شود تا از این رهگذر ارزش های ویژه ای را به یک قاعده ی همگانی و لازم الاطاعه تبدیل کند. "در آیین چیزهای وجود دارد از قبیل موارد استاندارد شده، سبک معینی درآمده و نسبتا ثابت و رسمی که دال بر آن است که آیین امری تکراری است" (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۶۰). در حالی که بدیهی می نماید "کودکان بیش از بزرگسالان به تلویزیون اعتماد می کنند و جذب آن می شوند" (دور، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳). کودکان در واقع مخاطبانی هستند که هر لحظه در معرض دریافت پیام های تربیتی ویژه ای قرار دارند و ارزش های اخلاقی خاصی مدام در برنامه های کودک برای آن ها تکرار می شود. همین تکرار موجب می شود که این ارزش ها در کودکان درونی شده و به الگوی ثابت رفتاری در زندگی آن ها تبدیل شود. در این رابطه داستان "سرباز پیر و واکنش او در مقابل واژه خبردار" جالب توجه است که بهشتی (۱۳۸۶) آن را به نقل از هاکسلی این گونه بیان می کند:

داستانی است که شاید واقعیت نداشته باشد، ولی می توان آن را همچون داستانی واقعی پذیرفت. می گویند مردی خوشمزه و شیرین کار، سرباز بازنشسته ای را دید که سورات شب خود را روی دست به خانه می برد. به محض این که چشمش به او افتاد بی مقدمه بر او فریاد زد: خبردار! سرباز فوراً دست هایش را پایین انداخت. به حالت خبردار ایستاد و گوشت ها و سیب زمینی هایش در نهر خیابان ریخت. این

مشق نظامی در او به حد کمال رسیده و گویی جزء ساختمان عصبی او شده بود
(ص ۹۶).

این داستان به خوبی نشان می دهد که تکرار آیین های مختلف با محتوایی خاص، در زمره مؤثرترین روش های انتقال ارزش ها و مفاهیم به انسان هاست و شکی نیست که برنامه های ویژه کودکان در ردیف آیین هایی به شمار می روند که ارزش های اخلاقی مبتنی بر گفتمان های خاص را به مخاطبان هدف خود منتقل می کنند.

اما برآستی مشق تربیتی برنامه های کودک ما چیست؟ آن ها چه روش یا روش های تربیتی را در پیش گرفته اند؟ آیا اساسا برنامه های ویژه کودک در جامعه ما نظام اخلاقی خاصی را مد نظر دارند؟ و مسائل تربیتی شان را بر اساس نظام یا روش های اخلاقی خاصی مطرح می کنند؟ آیا برنامه های کودک ما پیام هایی تربیتی مشخص و تکراری را ارائه می دهند؟ برای نمونه وقتی خاله شادونه در برنامه کودک شبکه دو سیما، جملات زیر را خطاب به بچه ها می گوید: "یادمون نره به حرف بزرگترها گوش کنیم، اما حرف غریبه ها رو گوش نکنیم..." در حال طرح مجموعه ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی برای کودکان است. یا در "برنامه فیتیله" وقتی آواز: "آی بچه های مهربون، آی پدر، آی مادرا می خوایم بیاریم براتون یکرنگی و همدلی رو، زنده کنیم خاطره خونه های کاه گلی رو..." خوانده می شود در واقع ارتباط میان اعضای خانواده و همچنین توجه به سنت ها را به عنوان یکسری ارزش اخلاقی گوشزد می کند. در "برنامه نیما و پنگول" نیز که از شبکه پنج سیما پخش می شود، هر بار با مجموعه ای از ارزش های اخلاقی مواجهیم که به صورت ضمنی و در قالب ماجراهایی میان این دو کاراکتر طرح می شود. آیا این نمونه ها نمی توانند بر وجود گفتمان اخلاقی خاصی در برنامه های ویژه کودک سیما دلالت کنند و بیانگر تاثیرگذاری نمادین این برنامه ها (همانند یک آیین) بر زندگی کودکان باشند؟

این مهم ما را بر آن داشت که به روش یا روش های تربیتی این برنامه ها که احتمالا مبتنی بر گفتمان یا گفتمان های اخلاقی خاصی هستند، توجه کنیم و یکی از برنامه های مورد پسند کودکان را از میان برنامه های ویژه کودک که در حال حاضر در شبکه های مختلف سیما در حال پخش هستند به طور خاص، مورد بررسی قرار

برنامه "فیتیله، جمعه تعطیله" که در روزهای جمعه و عید (اعیاد ملی و مذهبی) از شبکه دو سیما پخش می شود، مورد اقبال عمومی بویژه از طرف کودکان قرار گرفته است.^۱ بنابراین با توجه به علاقه بچه ها به برنامه "فیتیله" و نیز پرداختن این برنامه به مسائل متعددی چون یاد خدا، جایگاه بزرگترها در خانواده، روابط دوستانه با دیگران و ... که هر کدام از مسائل مطرح شده در برنامه معانی ضمنی خاصی را در برمی گیرد، در حال حاضر توجه به این برنامه بویژه توجه به گفتمان اخلاقی آن قابل اهمیت است.

براستی این برنامه منتخب کودک با چه روش یا روش های تربیتی با کودکان ما سخن می گوید؟ و در پس پیام های ارائه شده این برنامه که مورد علاقه کودکان ماست، چه نکات اخلاقی نهفته است؟ و این نکات اخلاقی چه تأثیری بر زندگی کودکان ما بویژه در آینده خواهد داشت؟ در کل این برنامه چه ارزش های را در کودکان ما درونی می کند؟

از این رو در این تحقیق، با بهره گیری از روش نشانه شناسی به بررسی روش های تربیتی ارائه شده در ویژه برنامه فیتیله در ایام نوروز ۱۳۸۸ می پردازیم.

۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق:

^۱ چنانچه در خود برنامه خبر منتخب شدن این برنامه از میان سایر برنامه های ویژه کودک در ایام عید نوروز سال ۸۸ اعلام شد.

"دوران کودکی، عصر طلایی هر کسی است. دوران پر عصمت، عزیز و شاد تاریخ یک زندگی" (شریعتی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

در این عصر طلایی است که عمیق ترین ارزش های اخلاقی در فرد ظهور می کند و به تدریج شخصیت فردی و اجتماعی انسان در آن پایه ریزی می شود.

از آنجا که تأثیرگذاری بر کودکان آسان تر از هر رده سنی دیگری است، سزااست که دست اندرکاران و متولیان رسانه ملی، آن را به مثابه مدرسه ای عمومی بدانند که وظیفه انتقال ارزش های ملی و مذهبی حاکم بر جامعه ما را به نسل های جدید عهده دار است. به قول اتوکلانبرگ، کودکان، پدر بشر هستند و آنچه بر سر آنها می آید، سرنوشت آینده بشر را رقم می زند. (ساروخانی، ۱۳۸۷)

در این راستا، رسانه ملی باید با عبور از نظرسنجی های صرف برای ارزیابی برنامه های خود، انجام مطالعات دقیقی را در حوزه ارزش هایی که باید در برنامه های کودک برجسته شود در دستور کار خود قرار دهد. بی توجهی به اهمیت انجام چنین مطالعاتی موجب می شود به گفته افلاطون، به دست خود ارزش هایی را در کودکانمان نهادینه کنیم که با آنچه از نسل آتی خود انتظار داریم، منافات داشته باشد.

۴-۱- هدف تحقیق:

- فهم نحوه ارائه روش های تربیتی با استفاده از رسانه های بصری

در این پژوهش در پی فهم روش های تربیتی مورد استفاده در ویژه برنامه فیتیله به عنوان یک برنامه تلویزیونی کودک هستیم تا از این رهگذر به بستر رویکرد اخلاقی این برنامه و تأثیر آن بر زندگی کودکان که مخاطبان هدف این برنامه هستند، نزدیک شویم و آنرا بررسی نماییم.

۵-۱- سوال های تحقیق:

سوال های اصلی:

- ۱- روش یا روش های تربیتی ارائه شده در برنامه "فیتيله" چیست؟
- ۲- آیا روش یا روش های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟
- ۳- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است، ویژگی های آن چیست؟

سوال های فرعی:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتيله" به کودکان چیست؟
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتيله" به کودکان چیست؟
- ۳- آیا پیام های تربیتی "فیتيله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟
- ۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟

۱-۶- تعریف مفاهیم:

در بخش پایانی این فصل، تعاریف واژگان مورد استفاده این تحقیق ارائه می شود.
تربیت- کودک- نشانه شناسی- روش تربیتی- رشد اخلاقی- فرهنگ- گفتمان- آیین

تربیت

- "مجموعه وسایل یا روشهایی که به کمک آنها به هدایت تحول کودک می پردازد" (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱).

۱- پروردن، پروراندن ۲- آداب و اخلاق را به کسی آموختن ۳- پرورش، تعلیم و آموزش و پرورش (معین، ۱۳۸۲)

- واژه تربیت از "ریشه ی "رَبَو" و باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده است. بنابراین واژه ی تربیت با توجه به ریشه ی آن، به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنای تغذیه ی طفل به کار می رود. اما علاوه بر این، تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است" (باقری، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

در این تحقیق تربیت به نوعی همان تهذیب گفته شده توسط باقری است.

روش تربیت^۱

"روش تربیت با مفهوم محدود عبارت است از تلقین، ایصال و انتقال معلومات به اذهان شاگردان.

روش تربیت با مفهوم گسترده عبارت است از کوششی که معلم باید در زیر سایه ی آن شوق و تمایل به علم، عمل و احتمام به آن را در نفوس شاگردان زنده و بیدار سازد" (حجتی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

کودک

- پیمان جهانی حقوق کودک، کودک را انسان زیر ۱۸ سال می نامند و در قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران سن در جنبه های مختلف متفاوت است مانند:

^۱. روش تربیت را معادل با تعلیم در نظر گرفته ایم

- فقه شیعه: کودک یا صغیر، فرزند اعم از دختر یا پسر که به حد بلوغ نرسیده باشد، است و بلوغ نیز از امور طبیعی و غریزی است. یکی از نشانه های بلوغ، سن است. در فقه و حقوق اسلامی به کسی که به حد بلوغ نرسیده مهجور می گویند. اکثر فقهای شیعی معتقدند که سن بلوغ در دختران را ۹ سال تمام قمری و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است.

- قوانین جمهوری اسلامی ایران:

در قوانین داخلی ایران تعریفی از کودک ارائه نشده است و تنها برابر تبصره ۱ ذیل ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ ۱۵ سال تمام قمری را برای پسران و ۹ سال تمام قمری را برای دختران تعیین نموده است.

نشانه شناسی

- ایزدی (۱۳۸۷) نشانه شناسی را از باور اکو این گونه شرح می دهد:

اومبرتو اکو بر این باور است که در نشانه شناسی نه از نشانه ها، بلکه از نقش نشانه ای باید سخن به میان آورد. نقش نشانه ای، رابطه ای است قراردادی که میان بیان و محتوا برقرار می شود. در این میان، محتوا خود، ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص است. از این رو، بیان در وهله نخست به فرهنگ برمی گردد؛ از سوی دیگر، اکو به گونه شناسی نشانه ها اعتقادی ندارد و بر این باور است که فرهنگ و قراردادهای منتج از آن در زمره عوامل عمده تولید نشانه ها قرار دارند. به طور کلی فرایند نشانگی بسیار پیچیده است و با ادراک رابطه دارد، از این رو، نشانه زاییده عملیات پیچیده ای است که در آن شیوه های گوناگون تولید و شناخت دخالت دارند (ص ۹).

رشد اخلاقی

- رشد اخلاقی عبارت از "رشد انسان در جنبه هایی از شناخت، رفتار و عواطف است که به کمال انسان در زندگی شخصی، اجتماعی و در رابطه با خدای متعال مربوط می شود، و ویژگی مهم آن این است که تنها افعال اختیاری فرد، به این علت که با کمال انسان ارتباط دارد، موضوع بحث قرار می گیرد" (بی ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶۴).

فرهنگ

لال (۱۳۷۶) به نقل از ریموند ویلیامز فرهنگ را این گونه تعریف می کند:

شیوه ی ویژه ای از زندگی که ارزش ها، سنت ها، باورها، اهداف مادی و سرزمین، آن را شکل می دهند. فرهنگ، نظام بوم شناختی پیچیده و پویایی است از مردم، اشیا، جهان بینی ها، کنش ها و شرایط که اگر چه شالوده ی آن پا برجاست اما در ارتباطات روزمره و اندرکنش اجتماعی دگرگونی می یابد.

فرهنگ "متن" است: شیوه ی گویش و پوشش ما و غذایی است که می خوریم، و نیز شیوه تهیه و مصرف آن؛ شیوه تقسیم زمان و فضا، شیوه ی دست افشانی و ارزش هایی است که با آن ها فرزندانمان را اجتماعی می کنیم، و نیز همه جزئیات دیگری که زندگی روزمره را بر می سازند (ص ۹۹).

گفتمان

سلبی و کادوری (۱۳۸۰) تعریف زیر را از گفتمان ارائه کرده اند:

گفتمان به بیان ساده، روش بررسی موضوعی خاصی بر مبنای سازه اجتماعی است. این اصطلاح زمانی در مطالعات رسانه به کار می رود که می خواهیم افکار تثبیت

شده و "متکی بر عقل سلیم" راجع به جنسیت، نژاد، طبقه، سن و خانواده را از طریق رسانه بررسی کنیم. می توان چنین پنداشت که گفتمان ها، نظامی دلالت مند هستند، نقش آن ها ایجاد معنی در جامعه به طور کلی و رسانه ای به طور خاص است (ص ۲۶۶).

آیین

"اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی مناسب برای تأثیرگذاری نمادین بر زندگی جدی یا مشارکت در آن طراحی شده است" (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

فصل دوم:

مباني نظري تحقيق